

مصاحبه با مبلغان موفق طرح هجرت

حجت الاسلام والمسلمین مهدی جهانگیری

مصاحبه: فاطمه علی حقیقی، محمد حسن رمکویی

شادی و شغف همنا می شود که: «مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا!»؛ «و هر کسی فردی را زنده بدارد (از مرگ نجاتش دهد) مانند آن است که همه مردم را زنده داشته است».

بنا گذاشتیم پای حرف دل این چنین رزمنده‌های گمنامی بنشینیم و امروز در خدمت جناب حجت الاسلام و المسلمین مهدی جهانگیری، مبلغ توانمند هجرتی مشغول به امر مقدس تبلیغ در شهرستان قیروکارزین (یکی از شهرستان‌های استان فارس) هستیم.

– خودتان را معرفی بفرمایید!

مهدی جهانگیری هستم، سال ۱۳۶۵ش در شهرستان قیروکارزین به دنیا

نه اینکه از باب تملق بگویم، نه! خدایی با اعتقاد می گویم: طلاب طرح هجرت یا طلابی که در روستاها و شهرهای کوچک کار تبلیغی می کنند، جزء جهادگران گمنام و مصداق سربازان گمنام امام زمان علیه السلام هستند که حتی در حوزه نیز غریب‌اند. بین خودمان بماند! گاهی پیش خودشان هم غریب‌اند؛ چون گاهی برای کار بسیار مهم خود ارزش کمی قائل‌اند و گاهی ملامت و... بگذریم؛ ارزش کار این رزمنده‌های پویا و سربازان گمنام، آن روز مشخص می شود که پسر بچه کلاس قرآنشان بیاید و بگوید: من هم طلبه شده‌ام! یا آن جوان بگوید: خدا پدرت را بیامرزد که زندگی ام را نجات دادی و... آن روز است که دریای پرتلاطم درونش با نسیم

مردم برای رصد و شناخت من هم که شده، در برنامه‌ها حضور می‌یافتند و این بهترین فرصت بود تا من مردم را به مراسمات و مراکز دینی علاقمند کنم. بنابراین برای اولین برنامه‌ها وقت ویژه گذاشتم. از طرفی سعی کردم برنامه‌های جدید و خلاقانه نیز داشته باشم تا جمعیت را نگهدارم.

این نکته خیلی مهم است؛ توصیه من به مبلغان، حتی مبلغان کوتاه‌مدت، این است که برای اولین برنامه‌های خود وقت ویژه اختصاص دهند. برخی طلاب وقتی برای مناسبتی مثل محرم به منطقه‌ای اعزام می‌شوند، تمام هم و غم خود را روی برنامه شب عاشورا یا شبهای قدر می‌گذارند و حال آنکه به نظر من، همان قدر که منبر شب قدر و شب تاسوعا و عاشورا به لحاظ تعداد جمعیت اهمیت دارد، منبر شبهای اول به لحاظ تأثیرگذاری، بهترین منبرها هستند. بنابراین، باید جهت‌انگیزه‌سازی برای مردم و مخاطبان، در اولین برنامه‌ها وقت صرف کرد.

علاوه بر انگیزه اولیه در برنامه‌ها، نظم و ترتیب در اجرا نیز خیلی مهم و تأثیرگذار بود. حضور یک روحانی در مسجد و اقامه سه وعده نماز جماعت مداوم، در دسترس مردم بودن، همراهی با مردم در مشکلات و گرفتاری‌ها و

آمدن. در سال تحصیلی ۸۱-۸۲ وارد حوزه شدم و مقدمات و سطح یک را در حوزه علمیه امام صادق علیه السلام شهرستان تفرش خواندم و سپس دروس سطح را تا اتمام سطح سه در اراک، حوزه حاج محمد ابراهیم خوانساری علیه السلام گذراندم، سپس به تبلیغ رفتم و چهار سال در استان مرکزی مشغول به تبلیغ شدم، سپس به زادگاهم در استان فارس، شهرستان قیر و کارزین آمدم و اکنون مدت شش سال است که مشغول به تبلیغ در مسجد امام خمینی علیه السلام این شهرستان هستم.

- بدون مقدمه وارد دوران تبلیغ می‌شویم؛ وضعیت تبلیغی منطقه در ابتدای ورود شما چگونه بود؟

منطقه قیر و کارزین مثل خیلی از مناطق کشور، دارای فرهنگ غنی و سطح علمی بالایی است؛ اما با وجود حضور طلاب مبلغ و مستقر در منطقه و حضور تعداد کمی از طلاب منطقه یا آشنای به منطقه در مناسبتهای تبلیغی و ایام اوقات فراغت، خلأ حضور مشهود بود. اگرچه این برای یک مبلغ در یک منطقه، نقطه ضعف منطقه است که مردم کم‌تر روحانی دیده باشند؛ اما من به دید نقطه عطف و قوت به آن نگاه کردم. این برای من یک فرصت بود؛ چون منطقه برای من بکر محسوب می‌شد. بنابراین، برنامه‌های ابتدایی با حجم جمعیت و استقبال آنان روبرو می‌شد.

اتفاقاتی که برایشان پیش می‌آمد... این برای مردم منطقه خیلی جالب و اثرگذار بود.

- معمولاً هر مبلغی که وارد منطقه تبلیغی می‌شود، یک پایگاه دارد و آن هم مسجد است. از مسجد، برنامه‌ها، وضعیت عمرانی، هیئت امناء و... بگویید!

وضع ساختمان مسجد که خیلی جالب نبود و جذابیتی که مخاطب را درون خودش نگهدارد، نداشت؛ نه از نظر برنامه و نه از نظر ساختمان. به اصطلاح نه از نظر شکل و نه از جهت محتوا. ابتدا جنبه‌های کاری کار را شروع کردیم؛ سیستم سرمایشی و گرمایشی، پرده، برخی تزئینات داخلی، فضای سبز بیرون مسجد، فضای مناسب بازی در اطراف مسجد و... هزینه زیادی نداشت تا دستی به سر و روی مسجد بکشیم و گرد غربت از چهره‌اش پاک کنیم. شاید حدود ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومان می‌خواست که با همکاری مردم منطقه جمع‌آوری و هزینه شد.

در حال حاضر، ما یک فضای بازی در کنار مسجد داریم؛ تاب و سرسره و سایر وسایل بازی که پای بچه‌ها را به مسجد باز کرده و فضای سبز دل‌نشینی است که در حال حاضر حدود ۶۰ درخت^۱ دارد و محیط زیبایی برای مسجد

ایجاد کرده که مردم را جذب می‌کند. این از بخش عمرانی.

در بخش فعالیتهای فرهنگی که علاوه بر جذابیت ابتدایی و نظم و انضباط، اجرای طرحهای متعدد در ابعاد مختلف اجتماعی، علمی، فرهنگی و تفریحی که سبب تبلیغ و اجرای فرهنگ دینی در منطقه شد.

- رسیدیم به بخشی که خیلی از مخاطبین ما به دنبالش هستند تا بتوانند از تجربیات موفق استفاده کنند. این همان بخشی است که معمولاً ما سکوت می‌کنیم و سر تا پا گوش می‌شویم. بفرمایید!

هر مبلغی برای انجام امور فرهنگی و تبلیغی و رساندن سخن دین به مردم در ابعاد مختلف، ایده و طرحهایی دارد که به گمانم اگر بتوانند هر کدام در حد چند سطر آن را توضیح دهند، یک مجموعه بسیار خوب و راهگشا شود. طرحهای اجرا شده در منطقه که به یاری مردم منطقه بوده یا به ذهن خودم یا خانواده و یا جوانان و اهالی رسیده و هنر ما اجرای جذاب آن بوده است. بخشی از این ایده‌ها قبل از تبلیغ و برخی با ورود به منطقه به ذهن مان رسید که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

۱. با تحقیق در آیات و روایات مربوط به کاشت درخت، می‌توان به این نتیجه رسید که در قرآن کریم همواره به کاشت درختان مثمر تأکید بیشتری شده است و اصلاً در

سیره معصومین علیهم‌السلام در خصوص کاشت درختان غیرمثمر تأکید یا سفارش نداریم.

الف) طرح پیوند مسجد، خانه و مدرسه

ما در محیط تبلیغی یک پایگاه اصلی داریم که بنا بود از پایگاه عادی صرف خارج و پایگاه زندگی مردم شود؛ یعنی تمام ابعاد زندگی مردم بی ارتباط با مسجد نباشد. به تعبیری، برای مردم در ابعاد مختلف زندگی حرف داشته باشد و سبک زندگی دینی را نشر دهد. بنابراین، باید علاوه بر درگیر کردن تک تک افراد جامعه، ابتدا پایگاه‌های اجتماع مردم با مسجد مرتبط شوند. بدین طریق، ما اجتماع مردم و مخاطبان را به مسجد وارد می‌کنیم و سرعتمان در انتقال مفاهیم دینی رشد پیدا می‌کند. علاوه بر اینکه جامعه‌پذیری دینی را از سطح فردی به سطح اجتماعی می‌کشانیم. از طرف دیگر، اگر فردی در مسجد حضور و معارفی کسب کند، سایر مراکز اجتماعی مثل محیط خانواده می‌تواند به عنوان ضد فرهنگ عمل کرده و تبلیغات دینی را خنثی کند، چنانچه من از گوشه و کنار و از مبلغان می‌شنوم که نیروهای رشدیافته در مسجد، به ویژه نوجوانان، وقتی وارد محیط خانواده می‌شوند، شبهاتی می‌شنوند که زحمات ما را خنثی می‌کند و یا در ساده‌ترین سطحش اینکه نوجوان اهل مسجد می‌شود؛ اما چون خانواده مسجدی نیستند، پس از مدتی حضورش کمرنگ شده و حتی رنگ می‌بازد.

همین طور گروه همسالان نیز می‌تواند نیروی پرورش یافته ما را از ما جدا کند. بنابراین، برای شروع کار طرح پیوند مسجد، خانواده و مدرسه را اجرا کردیم تا برنامه‌های مسجد در امتداد اجرا، به درون منازل راه پیدا کند و مدرسه و گروه همسالان نیز درگیر امور مسجد باشند.

در این طرح ما خانواده‌ها را درگیر و همراه می‌کنیم؛ دیگر بحث حضور فرد در مسجد نیست؛ حضور خانوادگی مهم است.

در قالب این طرح چندین برنامه داریم:

۱. اجرای برنامه‌های به صورت خانوادگی

تشویق بچه‌هایی که با پدر یا پدر و مادر حضور دارند، اجرای مسابقات خانوادگی، اجرای برنامه‌هایی که اعضای خانواده را درگیر خود می‌کند و... خانواده را به مسجد می‌کشاند.

۲. برگزاری جلسات و کارگاه‌های والدین

با کمک پایگاه بسیج، جلساتی را ترتیب دادیم که به خاطر جذابیت در موضوعات ادامه پیدا کرد و همچنان ادامه دارد. مباحث کاربردی پیرامون تربیت و سبک زندگی، خود بر جذابیت جلسات افزوده است.

۳. برگزاری جلسات خانگی

این جلسات که معمولاً در هر منطقه‌ای برگزار می‌شود، اعم از جلسات قرآنی، دعا، زیارات و یا مجالس روضه خانگی؛ اما اتفاقی که ما به دنبال آن بودیم این بود که

این جلسات در مسجد اطلاع‌رسانی و اعضای مختلف خانواده در آن نقش داشته باشند تا بدین طریق بین خانه و مسجد پیوند برقرار باشد.

پیگیری آسیبهای خانواده

آسیبهای خانواده شامل موارد ذیل می‌باشد:

- طلاق

یکی از آسیبهای منطقه ما، مثل خیلی از مناطق کشور، افزایش میزان طلاق است. افزایش سطح توقعات زوجین، عدم آشنایی با وظایف و بدتر از همه «فضای مجازی»، از دلایل افزایش طلاق است.

با شناسایی افرادی که در زندگی دچار مشکل بودند، به اتفاق خانواده به سرکشی از خانه آنها پرداختیم. حدود ده خانواده که در آستانه طلاق بودند و حتی برخی حکم دادگاه نیز صادر شده بود، به زندگی مشترک بازگشتند. بعضی از این خانواده‌ها با صحبت کردن و مشاوره حضوری مشکل‌شان حل شد و برخی روایات اهل بیت علیهم‌السلام آنان را نجات داد و در بعضی موارد نیز ریش سفیدان منطقه را به عنوان میانجی آوردیم و الحمدلله با حضور در این مسیر اتفاقات خوبی رقم خورد. از همین جهت، فکر می‌کنم قدرت طلاب در هدایت و راهنمایی مردم به واسطه عنایات حضرت حق، قدرت قابل توجهی است که نباید دست‌کم گرفته شود.

ما این خانواده‌ها را به حال خود رها

نکردیم؛ بعضی از آنها مشکلات مالی داشتند که با پیگیری حل شد؛ بعضی شغل نداشتند و برخی مشکلات اعتیاد داشتند که هر کدام با برنامه‌ریزی و چاره‌جویی، حل شد.

مسجد در حل این مشکلات نقش محوری داشت. از حضور برخی مشاوران و افراد فعال اقتصادی در مسجد استفاده کردیم؛ وام قرض‌الحسنه فراهم شد. از مسجیدی‌ها خواستیم ضامن شوند و این چنین مسجد با خانواده‌ها ارتباط پیدا کرد.

- اختلافات قومی و قبیله‌ای

قبل از زلزله بم در این منطقه زلزله‌ای با تلفات فراوان اتفاق افتاد که ۱۲، ۱۳ روستا تخریب شد و مسئولین بر اساس تدابیر مدیریتی خودشان تصمیم گرفتند کل این روستاها را تجمیع و ساکنین را در یک منطقه اسکان دهند. این کار از جهت عمران و آبادانی خوب بود؛ اما از جهت فرهنگی و اجتماعی مشکلات فراوانی برای منطقه به وجود آورده است. مثلاً اختلافات قومی از این منطقه یک منطقه چند تکه درست کرده که عدم اتصال آنها به یکدیگر و ناهمگونی آنان با همدیگر مشهود است. فرهنگها با هم متفاوت و تضاد و اختلاف نتیجه آن است.

برخی از قدیم با هم اختلاف داشتند و بعد از اجتماع در یک منطقه با یکدیگر نزاع کرده، قاعدتاً سلطه‌طلبی افراد نیز بر این مشکلات افزوده است. در بحثهای ازدواج،

انتخابات و... این مشکلات چند برابر می‌شد. ارتباط این قبایل در یک مکان مشترک به نام مسجد، فرصتی استثنایی بود که ما در طرح «مسجد، خانه و مدرسه» باید روی آن برنامه‌ریزی می‌کردیم.

- اتحاد جوانان

برای حل برخی مشکلات، ابتدا سعی کردیم که آن مشکلات به نسل جوان رسوخ نکند. بنابراین، در جمع جوانان و نوجوانان، فعالیت‌های اختلاف‌برانگیز حاکم در منطقه را تقبیح و در ذهن مخاطبین اتحاد و یکپارچگی را ارزش معرفی کردیم. سخنرانی و برگزاری کلاسهای تبلیغی در مسجد، زمینه انتقال این مباحث به جوانان را فراهم آورد.

- برگزاری جلسات مهمانی

هر هفته جمعه‌شبها بعد از نماز مغرب و عشا، یک مهمانی با محوریت یکی از قومها برگزار می‌شود که پذیرایی خیلی ساده و فقط با کیک یزدی یا شیر انجام شده، برخی افراد که سالها خانه هم‌دیگر نمی‌رفتند، در حاشیه این جلسات دعوت شدند و آشتی برقرار شد. در همین مسیر، ازدواج‌هایی صورت گرفت که این قبایل را به هم نزدیک کرده است.

برگزاری این جلسات با محوریت امام جماعت مسجد، ارتباط این جلسات به مسجد را تداعی و سبب انس مردم با مسجد شده است.

در بخش دوم از طرح «مسجد، مدرسه

و خانه» ارتباط مسجد و مدرسه باید تقویت شود؛ چون اجتماع مخاطبین ما در مدرسه، فرصت مناسبی برای پیوند مخاطبین با مسجد است.

- برگزاری اردو

در طرح «مسجد، خانواده و مدرسه» سه نوع اردو تعریف کردیم: اردوی علمی: مثل بازدید از کارخانه سیمان و سایر طرح‌های خودکفایی موجود در منطقه؛

اردوی فرهنگی: مانند اردوهای زیارتی و گلزار شهدا؛

اردوی تفریحی: مانند پیاده‌روی، ورزش و کوه‌پیمایی.

این اردوها را از طرف مسجد پیگیری شده، هزینه‌های آن را تا حد ممکن از خیرین می‌گرفتیم.

- جلسه با اولیا و مربیان

یکی دیگر از اقدامات طرح «پیوند مسجد، خانه و مدرسه» برگزاری جلسه برای والدین بود. بیان مشکلات موجود در منطقه و راه‌حل آن، شنیدن دغدغه‌های والدین و چاره‌اندیشی در مسجد، می‌تواند در جذب مخاطبین به مسجد و حل مشکلات آنان مفید باشد؛ چراکه در این جلسات آسیبهای بالفعل و بالقوه شناسایی و در رفع آن سعی می‌شود.

در این جلسات برخی مشکلات علمی دانش‌آموزان طرح شد. مثلاً دانش‌آموزی که در یک درس ضعیف بود، در این جلسات اطلاع‌رسانی می‌شد



و با تشویق و برنامه‌ریزی، در همین ارتباط صمیمی با والدین، برای رشد آنان زمینه ایجاد می‌شد.

- کلاسهای تقویتی

با محوریت مسجد، در ساعات غیردرسی و با استفاده از معلمینی که با مسجد در ارتباط بودند، کلاسهای تقویتی راه انداختیم؛ ریاضی، علوم، زیست، عربی، فیزیک، شیمی و... عربی را خودم تدریس می‌کردم. مدیر مدرسه نیز استقبال کرد؛ چون اثر آن را دید. خود مدیر مدرسه می‌گفت: امسال نمره نزدیک به ۳۰ نفر بالای ۱۸ شده و این اتفاق ماحصل همین کلاسهای تقویتی با محوریت مسجد بوده است.

- ارتباط دانش آموزان با خانواده شهدا و ایثارگران

هر دو سه هفته یک‌بار، جمعی از دانش آموزان را به دیدار خانواده شهدا و ایثارگران منطقه می‌بریم. در این جلسات خانواده‌ها از خاطرات خود می‌گویند و دانش آموزان سؤالات خود را می‌پرسند. این ارتباط باعث علاقمندی بچه‌ها به شهدا و ایثارگران و مفاهیم جبهه و دفاع مقدس شده است.

- مسئولیت دادن به دانش آموزان در مدیریت برنامه‌ها

یکی از کسانی که جزو گروهک منافقین بود و بعداً جدا شد، در خاطراتش می‌گفت: ما زمانی که جزو نیروهای منافقین بودیم، به همه ما مسئولیت می‌دادند. مثلاً می‌گفتند که شما اینجا بنشین و تعداد

خودروهایی را که از این جاده می‌گذرند، بشمار و رنگ هر کدام را یادداشت کن! بعدها فهمیدیم این کار صرفاً بدین جهت بود که ما حس کنیم این اطلاعات برای سازمان مهم است.

من متوجه شدم اصل این جریان که مسئولیت دادن به مخاطبین می‌باشد، مهم و بسیار خوب است، هرچند گروهک از این روش استفاده باطل می‌کرده؛ اما برای ما یک درس است. بنابراین، تصمیم گرفتیم از وجود دانش آموزان در مدیریت امور فرهنگی استفاده کنیم.

در مسجد هیئتی تأسیس شد که در حال حاضر تمام امور آن را خود دانش آموزان انجام می‌دهند؛ از برنامه‌ریزی گرفته تا پخش چای، پذیرایی، فضا سازی و... در بخشهای مختلف مسجد، مراسمات و دعاها نیز از این افراد استفاده می‌کنیم. حتی مدیریت کتابخانه مسجد را به دانش آموزان واگذار کردیم.

تابلوی اعلانات مسجد نیز در اختیار گروه‌های دانش‌آموزی است؛ انشاء با موضوع اقتصاد مقاومتی، نقاشی با موضوع تولید ملی، شعر و داستان و... از محتوای ارائه شده در این تابلوهاست.

- کار تشکیلاتی

۱۲ تا ۱۵ گروه تشکیل دادیم و بچه‌ها را به فعالیتهای گروهی تشویق کردیم. مثلاً قرار گذاشتیم بچه‌ها گروهی به مسجد بیایند؛ یعنی هنگام غروب اعضای گروه قرار می‌گذارند و دنبال هم می‌روند و به

مدیریت آنها می توانست زمینه اقتصادی مناسبی برای فعالیتهای ما باشد. بنابراین، صحبت کردیم و پول این نذورات را نقداً گرفتیم؛ بخشی از آن را به پذیرایی مردم اختصاص دادیم تا برنامه‌ها خشک نباشد و مابقی را در چند حوزه خرج کردیم: ساختمان اصلی مسجد، سرویس بهداشتی، حمام و امکانات بهداشتی، درمان بیماران، خرید جهیزیه و.. مثلاً با همین پولهای به ظاهر ناچیز، حدود ۴۰ میلیون تومان هزینه کردیم و آثار بسیار خوبی در پی داشت.

بر اساس همین طرح، ما ۲۰ خانواده فقیر را تحت پوشش قرار دادیم و ماهانه مبالغ ثابتی به حساب سرپرست آنها واریز می شد.

- در این طرح، موقوفات و نذورات

محرم و صفر را نیز در نظر گرفتید؟

در محرم و صفر تعداد نذورات بسیار زیاد بود و تقریباً هر روز مردم سفره پهن می کردند و هزاران غذا طبخ می شد؛ اما چون نظارتی نبود، گاهی برای یک خانواده دو یا سه نفره ده پرس غذا ارسال می شد. برای مدیریت این نذورات دو اقدام صورت گرفت:

اولاً نذورات تجمیع و در آشپزخانه مرکزی پخته و در هیئت و مسجد پخش می شد؛ یعنی انجام پذیرایی در یک مکان ثابت. از طرفی همه در مسجد و هیئت جمع می شدند و از طرف دیگر فقرا نیز بر سر سفره حاضر شده، اجتماع باشکوهی را رقم می زدند؛

صورت دسته جمعی مسیر را طی می کنند تا به مسجد بیایند. خود این اتفاق علاوه بر ایجاد روحیه همکاری و هماهنگی، فضای مناسبی را در منطقه ایجاد می کند که هنگام اذان دسته دسته افراد به مسجد می آیند و این خود یکی از زیبایی های منطقه ما هنگام اذان است.

- تشویق نخبگان دانش آموزی

طی هماهنگی با مدیران سه مدرسه موجود در منطقه، تمام دانش آموزانی که معدل بالای ۱۸ داشتند، به مسجد دعوت کردیم و از آنان خواستیم که برای گرفتن جایزه با والدین خود به مسجد بیایند. حضور والدین علاوه بر اینکه جاذبه تشویق را چند برابر می کرد، باعث می شد عده ای که خیلی سنجیتی با مسجد نداشتند، به اصطلاح پایشان به مسجد باز شود و زمینه انس به مسجد در آنان و فرزندان شان فراهم گردد.

ب) طرح ساماندهی نذورات و موقوفات

سعی کردیم موقوفات و نذورات را رصد و برای آن برنامه ریزی کنیم تا بهتر قابل استفاده باشند:

- نذورات برای اموات

همان هفته اول استقرارم در منطقه، متوجه شدم مردم رسمی دارند که هنگام اجرای برنامه ها در مسجد، به نیت امواتشان پذیرایی انجام می دهند. من با یک حساب سرانگشتی متوجه شدم ماهانه حدود ۳۰۰ هزار تومان هزینه این پذیرایی هاست. تجمیع این مبالغ و

ثانیاً نذر فرهنگی را ترویج کردیم؛ البته نذرها و موقوفات گذشته را نمی‌شد کاری کرد؛ اما نذرهای جدید را به سمت و سوی کارهای فرهنگی هدایت کردیم و هزینه‌های اخذ شده برای حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه خرج و گزارش ارائه می‌گردید.

- راه اندازی مؤسسه خیریه

مؤسسه خیریه‌ای تشکیل دادیم. شهر را به ده منطقه تقسیم کردیم و برای هر محل یک نفر مسئول شناسایی فقرا و نوع نیازهایشان شد. بدین ترتیب، اطلاعات دقیقی از وضعیت منطقه به دست آمد. در بحثهای درمان، ازدواج، آسیبهای اجتماعی و پخش نذورات، همین افراد به کمک ما می‌آیند و ساماندهی خوبی در این بخش اتفاق افتاده است.

طی همکاری با کمیته امداد امام خمینی علیه السلام بنا شد صدقات و خیرات اخذ شده در منطقه، در همین منطقه و توسط مؤسسه خیریه تقسیم و خرج شود.

- ساماندهی مجالس ختم و وفيات

مراسم ختم اغلب در خانه افراد انجام می‌شد. در اولین گام، مجالس را به حسینه منتقل کردیم. این کار سبب برگزاری باکیفیت‌تر مجالس و استفاده از ظرفیت آن برای انتقال مفاهیم دینی شد.

- وقف درخت

در کنار طرح جمع‌آوری نذورات برای مسجد، مثل اینکه کارمندان ماهانه مبلغ کمی از حسابشان به صورت خودکار به حساب مسجد واریز شود، طرح وقف درخت را نیز

اجرا کردیم. در منطقه قیر و کارزین عمدتاً درخت خرما، لیموشیرین و لیموترش کاشته می‌شود.

برگه‌های مخصوصی طراحی و بین کشاورزان پخش کردیم که هر کدام تعدادی درخت را وقف مسجد کردند. الحمدلله حدود ۱۲۰ درخت نخل، لیموشیرین و لیموترش وقف مسجد داریم که در فصل برداشت توسط خود مردم محصول جمع و به مسجد تحویل می‌شود و ان‌شاءالله به مرور این درختها به ثمر بیش‌تر خواهند رسید و مشکلات مالی مسجد را برطرف خواهند کرد.

- بسیار عالی. یک سؤال جهت ایجاد

تنوع؛ اینکه چند درصد از مخاطبین شما را جوانان تشکیل می‌دهند؟

ما با سه مقطع سنی سر و کار داریم: نوجوان، جوان، میان‌سال و مسن. ۵۰ درصد نوجوان، حدود ۳۰ درصد جوان و حدود ۲۰ درصد میان‌سال و مسن در مسجد حاضر می‌شوند که از جوانان در بخشهای هیئت، بسیج، کتابخانه، کانون و هیئت امناء و فضای مجازی استفاده می‌کنیم.

- در بحث فضای مجازی چه کاری

انجام داده‌اید؟

طی بررسی متوجه شدیم در مدیریت کانالها و گروه‌ها عمدتاً افراد محتواها را مطالعه نمی‌کنند و در این میان پیامهای شخصی بیش‌تر مطالعه می‌شود. بنابراین، شماره همراه گروه‌ها و افراد مختلف را

نداشته، حتی در مناسبتهای تبلیغی نیز روحانی را نمی بینند. بنابراین فرصت را غنیمت شمرده و استقبال خوبی دارند.

گروه دوم: از مسجدی‌ها استفاده کرده، به تناسب شغل افراد آنها را جمع کرده‌ایم و هر از چند گاهی برای ساخت مسجد، حسینیه، سرویس بهداشتی و... از این افراد استفاده می‌کنیم.

- آیا حسینیه در کنار مسجد، نقش مهمی در فعالیت‌های شما دارد؟

بله، حسینیه‌ای با متراژ حدود ۴۰۰ متر مربع در کنار مسجد ساخته شده و در حال تکمیل است که علاوه بر برنامه‌های فرهنگی و مذهبی، برخی فعالیت‌های اجتماعی نیز در آن اجرا می‌شود؛ از جمله انجام خطبه عقد با رعایت شئون اسلامی، مولودی‌خوانی، پذیرایی در مناسبت‌ها، اکران فیلم‌هایی چون: محمد رسول‌الله ﷺ، به وقت شام، تنگه ابوقریب و... که ماهی دو فیلم در حسینیه اکران می‌شود.

- از فرصتی که در اختیار ماهنامه مبلغان قرار دادید، بسیار ممنون و سپاسگزاریم. در پناه الطاف الهی موفق و منصور باشید.

ثبت و پیامها را به کارپوشه شخصی افراد می‌فرستیم که این باعث شده ارسال محتوا هدفمندتر و به تناسب حال مخاطب باشد و آنها نیز عمدتاً این محتواها را مطالعه می‌کنند.

در کنار آن، گروه‌هایی را طراحی کرده و عکس نوشته‌هایی با پس‌زمینه عکس از منطقه خودمان تهیه کرده‌ایم تا جذابیت آن برای اهالی منطقه بیشتر باشد.

- آیا گروه جهادی نیز دارید؟ از آن برای ما بفرمایید!

سومین طرح کلان تبلیغی، تشکیل همین گروه‌ها است.

ج) طرح تشکیل گروه‌های تبلیغی

من معاون تبلیغ شهرستان هستم. بنابراین، از ظرفیت مبلغان منطقه استفاده کرده و دو گروه تشکیل دادم:

گروه اول: مبلغان منطقه و طلاب طرح بینات بودند. از آنجا که هر کدام از این طلاب خودشان مشغله تبلیغی دارند، تصمیم گرفتم جهت ایجاد تنوع در شبهای خاصی به مناطق بدون روحانی برویم و کل شهرستان را تحت پوشش قرار دهیم.

یکی دو ساعت به غروب، طلاب را به روستاها می‌رسانیم. برنامه‌هایی از قبل پیش‌بینی کرده‌ایم که با هماهنگی سپاه و پایگاه بسیج روستا اطلاع‌رسانی می‌شود. گروه جهادی در راستای انجام امور تبلیغی فعالیت می‌کند.

برخی از این مناطق اصلاً روحانی